

روابط ایران و روم

در عصر هشتصد ساله اشکانیان و ساسانیان

تا بحال این مطلب مسلم نگردیده است که آیا مهر داد هفتم هنگام تجهیزات یا پس از آنکه با روم به ستیزه آغازید نسبت به شاهنشاهی اشکانی ایران چه نظری داشته ولی همینقدر میتوان گفت که مواضات او با خاندان اشکانی از من راه امداد ایران را بروی بستم بود زیرا تیکران پادشاه اشکانی ارمنستان به علت فرط نخوت و غروریکه داشت نه فقط از گرنش و متابعت دربار ایران دریغ میورزید بلکه در مقابل بنی اعمام خود که حقا میبایستی آنان را به شاهنشاهی بشناسد طغیان نموده عنوان شاهنشاهی بر خود گرفت و در روز کاریکه فتوحات بیابای روم و پیشرفت سپاهیان آن دولت رو به مشرق باید مورت هشیاری شهریاران (شرق نزدیک) شود و آنان را به یگانگی و اتحاد با ایران پیش از ییش ترغیب کند روش مغروران تیکران ما به بدبختی خود او و موجو چندین سلطنت شرقی گردید و هر گاه قوت تدبیر و شمشیر ایرانیان نمی بود امکان داشت که در نتیجه همین اشتباهات و خطا کارها بیرق جمهوری در سواحل گنگ افراسه شود و از استقلال ملل آسیائی اثر همان ایام دیگر نشانی باقی نماند — بالجمله بنا بر مواضات و اتحاد مهر داد با تیکران و مخالفت تیکران با دربار ایران مسلم است که مهر داد نمی توانسته است با دربار ایران روابط صمیمانه ای داشته و هنگام ازوم از مساعدت ایرانیان بهره مند شود .

علاوه بر این مدارك و دلایل دیگری هم هست که ممکن است همین مطلب را از آنها نیز استنباط کرد از آن قبیل است یکی مهر (میترا) پرستی وی با آئین (به دینان) یعنی زرتشتی ها که در ایران دین اغلب بود مبیانتهی داشت و دلیل دیگر آن بود که مهر داد از نسل هخامنشی ها بود و طبعا خود را برای تخت و تاج ایران از اشکانیان که در نژاد آنها

سخن بسیار میرفت صالح تر می شمرد ولیکن این دو دلیل اخیر در صورتی قابل ملاحظه می بود که مواصت مهرداد با تیکران اتفاق نمی افتاد زیرا در دو یا سه دلیل نخستین میگوئیم که زرتشتی بودن تیکران مانع مواصت و اتحاد وی با مهرداد نشد و یا سه دلیل دوم است که تیکران هم اشکانی بود و اگر دعوی مورخین روم در بستی نژاد اشکانیان صحت میداشت مهرداد با وی مواصت نمیکرد — بعلاوه مناقشات مذهبی ایرانیان و جدال زرتشتیان با مهر پرستان با سقوط سلطنت هخامنشی از شدت افتاد و عهد اشکانیان عقاید و ادیان تا حد وسیعی ازاد بود

خلاصه ، بعد از آنکه مهر داد تجهیزات خود را تکمیل کرد یا بزرگان ولایات و سردسته های مردم در شهر هائی که رومیان اقامت گزیده بودند پنهانی داخل مذاکره شد و عهد و پیمان نهاد که در يك تاریخ و يك شب معین مردم شهر مساج گردیده برومیان بتازند و هر کس را با یوشاک انقوم یاقتند از دم تیغ تیز بگذرانند — قوت تشکیلات مخفی زی چنان بود که يك چنین تصمیم بزرگ و پر خطری به بیش از صد شهر و قصبه ابلاغ شد و مردم بسیار مدتی قبل از اجرای آن نسبت به آنچه که روی خواهد داد آگاه بودند و با این احوال سیاه و تاجر و سیاسیون رومی از آن واقف نگشتند — این بی خبری رومیان را می توان معلول دو علت شمرد یکی شدت نفرت و بغضی که در مردمان از ستمکاری و تجاوزات و نخوت آن قوم پیدا شده بود و دیگری معاونت و مداخله معابد و روحانیون ائین میترا زیرا معابد مهر پرستان در بن غار ها و سردابهای زیر زمینی بود و تعلیمات آن مذهب با برخی از اصول تصوف امروز مشابهت داشت در قرنهای اول میلادی روحانیون مسیحی نیز از ائین میترا چیز های بسیاری اقتباس کردند بهر حال تعلیمات هر روز و اسرار امیز گذشتن از لذایذ دنیا برای سعادت عقبی و ریاضت جسمانی به پیروان تعلیم میشد و رابطه متابعین با معلم خود مخفی و انفرادی بود و هر فردی تنها خودش میدانست که معلم باوجه گفته است و چیزی را که آموخته بود نمی توانست بدیگری بگوید چنانکه

امروزه نیز يك نفر درویش به همقدم خود نمیکوبد که یر در بن کوشش چه تعلیم داد - طبیعی است که با یدچنین تشکیلاتی مهر داد می توانست دستور العمل خود را به تمام مملکت برساند بدون آنکه یدانگان از ان واقف شوند زیرا دستور العمل بزبان یشوای روحانی در اعماق غار تیره و تاریک کوش فرد فرد یروان گفته میشد و متلا ا کر فرض کنیم که دستورچنین بوده است، شب سوم جشن مهرگان با ابراز جنک به میدان شهر یریا و هر چه را یرادر دینی او گودرز فرمان داد بجای ار مسام است که شخص دیندار و معتقد این دستور یشوای مذهب خود را يك امر دینی شمرده کلمه یریه کلمه انجام میدهد .

بهر حال قتل عام رومیان در یکی از شب های ماه مهر رو داده وروز قبل نماینده روم به مهر داد آمد لر داده بود که بایستی پادشاه سفری به شهر روم کرده در مقابل شکایاتی که از وی به مجلس سنا رسیده است جواب گوید و این تذکر در حقیقت خاتمه استقلال یونت شمرده میشد و اختطاری بود که بهبج دلیل حق و حساسی انکا انداشت و کاملاً مخالف معاهدات موجوده بین مملکتین بود در شب معهود شهرهای عمده آسیای یشین وسواحل بوسفور و دریای سیاه غریق آتش و خون گردید و چون آفتاب بر آمد بالغ بر صد هزار نفر رومی در سرقاسر مملکت یونت به خاک افتاد بودند معلوم است که نشر خیر این واقعه همما قلیرتا له سیر عظمت و افتخار مهرداد یرفزود از نفوذ استیلا کننده و هیبت روم که مورت وحشت دائمی ملل آسیا لر دیده بود بکاست و رومیان روزوصول خبر مدهش مزبور عزای ملی درفتند و تمام قوای خودرا برای انتقام کرد کردند

گزوم تربیت

| | |
|------------------------------|--------------------------|
| ان درختی که دانه کشت بود | میوه اش را نمی کنند یسند |
| مگرش باغبان یررد شاخ | شاخ بهتر بدان کند ییوند |
| لای یردر تربیت چو ییوند یسند | که برخوب از ان دهد فرزند |